

## راهی از زنجیره اطاعت غیر خدا

### خلاصه جلسه یازدهم: روح توحید: نفی عبودیت غیر خدا

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دوازدهمین روز از ماه مبارک رمضان سال ۱۴۰۳ به اهمیت بحث توحید - از آن جهت که پایه اعتقادی واصل مهم عملی فردی و اجتماعی است - می‌پردازند. و سپس به سراغ تعریف‌هایی از عبادت می‌روند.

ایشان به ذکر این نکته می‌پردازند که عبادت تنها به معنای این نیست که انسان در مقابل یک موجودی، به صورت تقدیس، به صورت احترام قلبی، به صورت بالاتر دانستن، خم و راست بشود، سجود یا رکوع بکند، اور استایش و نیایش کند؛ بلکه عبادت مفهوم وسیع‌تری در فرهنگ قرآن دارد. و ایشان عبادت را چنین تعریف می‌کنند: «اگر کسی را، یک انسانی، یا یک جامعه انسانی، بی قید و شرط اطاعت بکند، فرمان او را در زندگی خود، در جسم و جان خود، در عمل خود، متبع بشمارد، او را عبادت کرده.» بنابراین تعریف؛ پس هر کسی که اطاعت کند از کسی یا از چیزی یا از قدرت سیاسی یا قدرت مذهبی و حتی از عامل درونی مثل نفس، عبادت او را کرده است.

ایشان این نکته را بیان می‌کنند که دایرہ عبادت خیلی وسیع است، نه تنها اطاعت کردن، بلکه حتی شش دانگ حواس را هم به یکی دادن، عبادت اوست. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پی این سخن این سوال را پاسخ می‌دهند که: «پس ما حرف‌های درست را هم گوش نکنیم؟ اگر آن کسی که سخن می‌گوید و شش دانگ حواس و مشاعر تو را به طرف خود جذب کرده است، ارزیاب خدا سخن می‌گوید، تو در حالی که دل به او دادی، ذهن به او دادی، فکر و روحت را به او سپرده، داری عبادت می‌کنی»

و «اگر چنانچه گوینده دارد از زیان شیطان سخن می‌گوید... در همان حال مشغول عبادت و اطاعت ابليسی؛ یعنی خود او شیطان است.» در نهايٰت ايشان می‌فرمایند: «اگر کسی بخواهد عبادت کند فقط خدا را و عبادت غیر خدا را نکرده باشد؛ یعنی موحد باشد، یکتاپرست، یکتاگرabaش، بایستی که اطاعت مطلق خود را هم مخصوص کند به پروردگار جهانیان، به خدای بزرگ» که تمامی هدف انبیا هم این بوده است که «زنجره اطاعت غیر خدا را از دست و گردن آنها باز کنند.»

جلسه ۱۱: روح توحید: نفی عبودیت غیر خدا رهایی از زنجیره اطاعت غیر خدا				
آیات ۱۱۴ تا ۱۲۱ سوره‌ی مبارکه‌ی انعام				آیات این جلسه
خداآوند	اطاعت از غیر خدا	عبادت	اطاعت	واژگان کلیدی
نکات کلیدی				آیه
آیا جز خدا، حاکمی، فرماندهی یا داوری طلب کنم؟ در حالیکه خداست که این مجموعه را، قرآن را، با تفصیل، باتبین، بدون اختلاط و امتزاج، برای شما فرستاده است. میبینا، باتبین تمام و کامل. [در این آیه] مسئله حکومت و داوری خداست که از همه اولی تراست به حکومت و داوری				<b>أَفَغَيْرُ اللَّهِ أَبْتَغِيْ حَكْمًا وَ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْنَاكُمُ الْكِتَابَ مُفَضِّلًا وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ</b> <small>(انعام / ۱۱۴)</small> آیا جز آئین و برنامه‌ی خدا، داور و فرمانروایی برگزینم. در حالیکه اوست که این کتاب (قرآن) را که دارای احکام و معارفی واضح و مشخص است، نازل فرموده است. و آنان که کتاب را به

ایشان داده ایم می‌دانند که آن به حق از سوی پروردگات نازل گشته است. پس زنهار از مردّدان و شک آوران مباش.

فرمان پروردگار این بود که سلسله‌ی نبوت‌ها بیاینده، مردم را تدریجاً و تدریجاً به حد نهایی برسانند، بعد نبوت آخرين بیاید، انسان‌ها را در مقابل یک افق وسیعی، در مقابل یک میدان بی‌نهایتی قرار بدهد. وسیله‌ی سیر را، وسیله‌ی دویدن را، وسیله‌ی تکامل هرچه بیشتر را به آنها اعطای بکند، تا انسان‌ها بتوانند در این میدان تا بی‌نهایت بروند؛ تا خدا. [در این آیه] مسئله تخلف ناپذیری دین و فرمان خداست که دشمن و کافر و معاند و معارض، هر غلطی می‌خواهد بکند، بکند؛ فرمان خدا ماضی است و تمام شده است.

وَتَمَثُّلَ كَلِمَةُ رَّيْكَ صِدْقَاً وَ  
عَدْلًا لامْبَدْلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ  
السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

(انعام / ١١٥)

فرمان و اراده‌ی پروردگارت- براستی و استواری- تمام گشته و به حقیقت رسید. هیچ چیز فرمان‌ها و اراده‌های اورا دگرگون نتواند کرد. واوست شنواز دانا.

[در این آیه بیان می‌کند که] اطاعت از خواست‌ها و هواها و هوس‌ها نباید کرد، از خدا باید اطاعت کرد. آن کسانی که راه‌ها و شیوه‌ها و روش‌ها را برابر زندگی مردم جعل می‌کنند و بیشنهاد می‌کنند؛ آیا یقین دارند به صحت این راه‌ها با تخمین، با گمان، با فرضیه و تئوری، مردم دنیا را، جامعه‌های بشری را می‌خواهند اداره کنند، اما خدا با تئوری کسی را اداره نمی‌کند؛ با من واقعیت، با علم و دانش به معنای واقعی، انسان‌ها را به راه راست هدایت می‌کند.

وَإِنْ ثُطِعْ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ  
يُضِنِ لُوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ  
يَتَّسِعُونَ إِلَى الظُّنُنِ وَإِنْ هُمْ إِلَّا  
يَخْرُصُونَ

(انعام / ١١٦)

و اگر بیشترین خلق روی زمین را اطاعت کنی، تورا از راه خدا گمراه می‌سازند. آنها جز گمان را پیروی نمی‌کنند و جز این نیست که از روی پندرار قضاوت می‌نمایند.

اینجا انسان با کمال تعجب، ابتدائاً، می‌بیند بعد از این مطالب کلی ... یک دفعه می‌گوید که از آنچه که نام خدا بر آن برده شده است بخورید، گوسفندی را که بانام خدا کشتن، ذبح کردن، از این حق دارید بخورید، مسئله فرعی ا در نظر انسان خیلی تعجب آمیز می‌آید که چه ارتباطی اینها با هم دارند.

اولاً در نظر پروردگار همه‌ی مسائل در یک سطحند. برای خدا مسائل کلی مربوط به بشر با مسائل جزئی تفاوتی ندارند، همه اش یکی است. برای پروردگار عالم، آنچه مایه‌ی سعادت انسان است، به عنوان یک فرمان مطرح است، فرقی نمی‌کند این فرمان جزئی باشد، فرعی باشد، مربوط به یک نفر باشد یا کلی باشد، عمومی باشد، مربوط به همه بشر باشد.

می‌دانید که مشرکان و قبایل و ملت‌ها و امت‌هایی که از توحید بی نصیب بودند، در هر مناسبی، در هر موقعیتی، برای هر کاری، نام آن معبودان را می‌آورند. ... وقتی شما کاری را برای خاطرپول، برای خاطره‌های نفس، برای خاطر مسائلی از این قبیل شروع کردید، با آن نام، با آن یاد؛ این قهراء جهتش هم، جهت همان چیزی است که نام و یاد او را در حین شروع این کار بروزیان یا در مغز خطوردادید.... اما کاری که بانام خدا، بایاد خدا، شروع می‌شود، جهت‌گیری اش هم جهت‌گیری خداییست، جهت‌گیری اش هم جهت‌گیری طبق فرمان خدا و مناسب با امر پروردگار است. به ما می‌گویند که حتی ذیحه را وقتی که می‌کشید، بانام خدا بکشید. یعنی ضروری ترین، اولی ترین نیاز شما که خوارک شماست، بایستی بانام خدا باشد، برای خدا باشد. شکمت راهم که پرمی‌کنی، برای

فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ أَسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ  
إِنْ كُنْتُمْ إِيمَانَهُ مُؤْمِنِينَ

(اععام / ۱۱۸)

پس تناول کنید از آنچه نام خدا بر آن برده شده است. اگر به آیات او ایمان دارید.

خدا باید پرکنی... اگرچه نیاز اصیلی است، اما در زندگی تو، اصل نیست، در زندگی تواصل خداست و جهت‌گیری خداست.

یعنی تمام جهت‌گیری‌های زندگی ات برای تامین هر نیازی، ولو نیازهای اولی، باید بر طبق فرمان خدا در جهت سبیل الله باشد.

یک کارهایی هست که اشکالاتش، عواقب سوئش ظاهر است؛ قتل نفس معلوم است که کار بدی است، بی‌جان کردن یک جاندار، بدون استحقاق، معلوم است که کار خلافی است؛ این گناه بودنش ظاهر است. یک کارهایی هم گناه بودنش درست، بارز و ظاهر و نمایان نیست، خیلی از چیزها را انسان نمی‌فهمد که این چقدر بزرگ است؛ سخن بدون علم گفتن، دنباله روی از غیر علم کردن، نام خدا و یاد خدا را سبک و کوچک شمردن، اطاعت از غیر خدا کردن، فرمان از غیر خدا شنیدن اینها یک چیزهایی است که آدم خیال نمی‌کند این قدر مضرات و عواقب سوء داشته باشد، لکن در عین حال، هردو را بایستی کنار گذاشت؛ هر آنچه را که گناه است، چه آشکارا و چه پنهان.

وَذُرُوا ظاهِرَ الْأُثْمِ وَبَاطِنَهُ  
إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْأُثْمَ  
سَيُجْزَوْنَ بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

(آل عمران/۱۲۰)

واگذارید آشکارا و پنهان را (گناهی که تاثیرات سوء آن مشهود یا پوشیده است) آنان که گناه به بار می‌آورند به سزا آنچه در آن فرورفته‌اند مجازات خواهند شد.

مخورید از آنچه نام خدا برآن یاد نشده است. این فسق است، از دین برون رفتن است. اهمیت یاد خدا و نام خدا را، اینجا رویش تکیه می‌کند.

عمده استدلال و استناد ما همین تکه‌ی آخر این آیه است؛ «إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوْحُونَ إِلَى أَوْلَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ» شیطان‌ها و قطب‌های شرارت به دوستان و هم‌جبهگان و هم‌بستگان خود الهام می‌دهند تا با شما مجادله کنند. شیطان‌ها و قطب‌های فساد و تباہی، ایادي خود، اولیای خود، هم‌جبهگان و پیوستگان خود را پر می‌کنند تا بیایند با شما بحث کنند، سربه سر بگذارند و مجادله کنند. شماتکلیفتان چیست در مقابل این اولیای شیطان؟ اگر شما از آنها اطاعت کردید، پیروی کردید، مشرکید.

لَمْ يُذْكُرِ أَسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ  
لَفِيْشُقٌ وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوْحُونَ  
إِلَى أَوْلَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ وَإِنَّ  
أَطْعُنُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ

(العام ۱۲۷)

و [اگر] از آنچه بر آن نام خدا بر آن بردۀ نشده بخورید و حتماً آن فسق است و بی‌گمان شیطان‌ها به همدستان و دوستان خود الهام می‌بخشند تا با شما مجادله کنند و اگر شما از آنان اطاعت کنید بی‌شک مشرک خواهید بود.

## بخشی از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در ۵/۰۷/۱۳۵۳ در مسجد امام حسن الله علیه السلام مشهد:

قرآن عبادت نکردن غیر خدا را برای موحد بودن کافی نمی‌داند و شرط دیگری را نیز برآن می‌افزاید ... و آن اطاعت نکردن از رقبیان و معارضان خدا است. این مطلب در فرهنگ قرآنی چندان واضح است که در مواردی بر اطاعت و دنباله‌روی، نام عبادت نهاده شده و اطاعت‌کنندگان غیر خدا، مشرک معرفی شده‌اند. با این بیان، عبادت خدا را که روح و معنای توحید است می‌توان با تعبیر «عبدیت و اطاعت انحصاری خدا» معرفی کرد و عبودیت و اطاعت غیر خدا را مشرک دانست.